تعلیم و تربیت زن

لغت طبیعی یک کلمه‏ایست که در اغلب موارد سوء استعمال میشود مثلا بسیاری حالات و صفات زن را طبیعی و فطری او میدانند و قائلند بر اینکه هوش و فرهنک زن از مرد کمتر است در صورتیکه مطابق تحقیقات‏ علمی که شده است علماء فقط تفوق و برتری مرد را بر زن قوی بودنه‏ عضلات و استخوان‏بندی او دانسته‏اند در عوض سلسله اعصاب و قوهء هوش‏ و درا که زن قویتر بوده از حیث احساسات و عواطف بر مرد برتری‏ دارد ولی از آنجائیکه طرز و روش تربیت آنها اختلاف دارد اغلب‏ تصور میکنند که استعداد و قابلیت زن از مرد کمتر است

یکی از اشخاصیکه این اشتباه را کرده«روسو»نویسنده بزرک‏ فرانسوی است.این نویسنده معروف قرن هیجدهم عقیده دارد که با وجود شباهت زیاد زن و مرد در ترکیب و ساختمان ذوق و استعداد آنها خیلی‏ فرق دارد قوهء عقلانی زن به مراتب از مرد کمتر میباشد بنابراین تربیت‏ زنها نباید مانند مردها باشد.زن فقط برای مادری کردن و خانه‏داری‏ خلق شده از عهدهء انجام کارهای مردانه برنمی‏آید مردصاحب اراده و قوت‏ نفس میباشد در صورتیکه زن ابدا از خود اراده نداشته ضعیف النفس میباشد دخترها از کوچکی فریفته چیزهای ظریف و خوشکل شده سعی میکنند همیشه خود را جذاب و قشنک بسازند از همانوقت بانچه که سایرین درباره‏ آنها فکر می‏کنند اهمیت داده باقوال سایرین اعتماد دارند و این ضعف‏ نفس آنها را ثابت میکند در صورتیکه پسرها از صغر سن از خود دارای‏ رای و اراده بوده بافکار دیگران وقعی نمیگذارند.دخترها از طفولیت‏ عروسک‏بازی را بر سایر باریها ترجیح میدهند و خیاطی کردن را زودتر از چیز نوشتن میاموزند فقط اخلاق و صفاتی را که زنهابان علاقه دارند نجابت حیا و افتادگی است و این حالات طبیعی آنها میباشد زیرا آنها برای تکمیل خوشی و سعادت مرد خلق شده‏اند و باید بتوانند متحمل‏ زیادروی و تندی مرد بشوند از آنجائیکه اعمال و رفتار زن در تحت‏ نظریات و مراقبت چتکهخ تسن لذت باید عقاید و آزادی آنها محدود بوده‏ محکوم مرد باشند و چون قوه ممیزه آنها کم بوده ثبات عقیده ندارند باید همیشه مذهب آنها همان مذهب شوهر یا مادرشان باشد زیرا اگر آزاد باشند هر صحبت و دلیل ناقص در آنها اثر کرده فوری رویه مشی‏ خود را تغییر میدهند روسو دلائل فوق الذکر را مصدر قرار داده میگوید باید طرز تعلیم و تربیت زن مخصوص بوده شباهتی به تربیت مرد نداشته‏ باشد در تربیت زن فقط باید این نتیجه را در نظر داشت که او را برای‏ مادری کردن و خانه‏داری نمودن تهیه و آماه نمود.

بعقیده من نباید روسو را برای اظهار این قسم عقاید ملامت نمود زیرا او در قرن هیجدهم بوده و مطابق محیط و افکار جامه خود چیز نوشته است یقین است که اگر روسو در این قرن میبود بکلی مخالف‏ این مینوشت ولی آن اشخاصی را باید ملامت نمود که با وجود زندگی‏ در قرن بیستم باز همین عقاید بی‏اساسی را مصدر و سرمشق حیات‏ قرار داده‏اند چنانکه اگر از نه دهم مردهای تربیت شده ایران راجع‏ به تعلیم و تربیت زن سئوال کنید همین بیاناتی که ذکر شد اظهار میدارند و بزرگترین دلیل آنها اینست که چرا مابین زنها مخترعین بزرک و اشخاصی‏ صاحب فکر و اراده پیدا نشده در قوای عقلانی و استعداد آنقدر از مردها پست‏ تر هستند این اختلاف قوا مابین زن و مرد ابدا طبیعی و فطری نمیباشد بلکه در اثر تربیت است علت اینکه جمیع علماء و مخترعین بزرک مرد بوده‏اند این است که‏ از زمان شیرخوارگی طرز و روش تربیت آنها بهتر و برای همین مقصد بوده‏ است از اولیکه در طفل یک قوه ممیزه و دراکه پیدا می‏شود پسر ها را محترم و عزیر شمرده در آنها یک استقلال فکر و حس برتری بر دخترها تولید می‏نمایند همیشه پسرها را تشجیع می‏کنند به صحبت‏ کردن و شجاعت و شهامت در صورتیکه عکس این را نسبت به دخترها معمول میدارند و آنها را به نجابت افتادگی فروتنی و ملایمت تربیت می‏ کنند از همین وقت بلند نظری و حس استقلال رای و فکر را که تنها وسیله ترقی مرد است در دخترها کشته به پسرها می‏فهمانند که گامیابی‏ و ترقی آتیه آنها منوط به اینست که از خود دارای فکر و عقیده بوده‏ در انجام کارها توانا و با استقامت باشند از صدمات و زحمات روزگار نترسند و برای ترقی نوع خود و خویشتن از هرگونه اقدامی فروگذار ننمایند بنابراین دماغ آنها را برای اختراعات و انجام کارهای بزرک‏ حاضر و آماده می‏کنند در صورتیکه ابدا چنین تعلیماتی به دخترهای کوچک نداده حتی‏ از حیث بازی و تفریح نیز با برادرانشان فرق دارند پسرها را از بچگی با ماشین‏ آلات آشنا نموده در هر بازی و وسیله تفریحی که برای آنها فراهم می‏کنند هزاران نکات علمی و اخلاقی منظور میدارند از آنطرف تنها وسیله‏ بازی دخترها را عروسک‏بازی و امثال آن قرار میدهند.اینکه روسو میگوید دخترها از ابتدا خودشان مایل بعروسک‏بازی هستند حقیقت‏ ندارد زیرا اغلب پسرها نیز در اول اظهار علاقه و اشتیاق خود را به‏ عروسک‏بازی با خواهران خود ابراز میدارند ولی فوری آن متسخر و استهزائی که از آنها میشود باعث میگردد که مقام خود را بالاتر میدانند من شخصا خاطر دارم که چندین دفعه اولیا و اعضای خانواده من را مسخره میکردند که چرا در عروسک‏بازی با خواهرم شرکت جسته‏ام‏ از همانوقت در من این فکر تولید شد که معلوم است دخترها پست‏تر هستند و بازی آنها هم لایق من نیست بسیاری از اوقات خواهر من میخواست‏ در بازیهائی که با پسرهای خانواده میکردیم شرکت کند ولی فوری مادرم‏ یا شخص دیگری از او ممانعت مینمود که این بازی دخترها نیست و هر چه آن خواهر بیچاره گریه و زاری میکرد اثری نداشت تا اینکه نزد خود حس میکرد که پسرها یک امتیازی بر او دارند که باید اینطور بازی‏های خوب کنند و او محروم باشد این قضیه که نسبت به عموم‏ اطفال مصداق دارد ثابت میکند که عروسک‏بازی طبیعی دخترها نبوده و شهامت و استقلال فکر ذوقی پسرها نمیباشد بلکه در اثر تربیت‏ های مختلفه همان قوای طبیعی که در دخترها موجود است از میان برده‏ و از آن پسرها را نشو و نما میدهند اینست که وقتی زن و مرد را مقایسه‏ میکنند تصور مینمایند که این اختلافات ذاتی و فطری هریک میباشد دلیل‏ دیگر که ثابت میکند یکی بودن قوای طبیعی آنها را اینست که اگر فطرت و ذات زن و مرد تفاوت داشت دیگر چرا انقدر در تربیت آنها اختلاف میگذاشتند زیرا در صورتیکه طبایع و حالات طبیعی آنها متفاوت‏ است اگر هر دو را هم یک قسم تربیت کنند در نتیجه باید متفاوت باشند پس دیگر لازم به تربیتهای جداگانه نیست

امروزه بطوری که تجربه شده است دخترهائیکه با پسرها در یک کلاس و یک موضوع را تحصیل میکنند بهتر لیاقت و استعداد خود را نشان داده‏اند بعلاوه اینکه دنیای کنونی معتقد باینست خود من این‏ تجربه را نموده‏ام و دخترهائی که در این دارالفنون با من‏ همدرس و هم‏کلاس هستند بمراتب دروس خود را از من بهتر یاد گرفته‏ نمراتشان بهتر میباشد نه اینکه من شاکرد تنبلی باشم بلکه از بهترین‏ شاگردان کلاس نیز جلو زده‏اند این ثابت میکند که با جود اینکه‏ تربیتهای اولیه آنها با پسرها تفاوت داشته باز استعداد و قابلیتشان کمتر نیست‏ پس زن نیز مانند مرد قابل تعلیم و ترتیب است

خیلی جای تعجب است که بعضی‏ها به نجابت اصالت و اهمیت‏ وجود مادر در تربیت طفل علاقه دارند آنوقت اظهار میدارند که زن‏ نباید دارای استقلال فکر و آزادی باشد در صورتیکه تصور نمی‏کنند اگر شخصی خودش دارای استقلال فکر نباشد و آزادی او محدود باشد چطور میتواند این صفات حسنه را که اساس و پایه انسانیت بر آن‏ قرار گرفته است در اطفال خود تزریق نماید امروزه چرا ما در ایران‏ جوانهای خوش‏فکر با عزم و اراده وطن‏دوست نوع خواه نداریم؟علت‏ آن خیلی واضح است برای اینکه مادرهائی نداریم که دارای این‏ صفات باشند

ذات نایافته از هستی‏بخش‏ کی تواند که شود هستی‏بخش

در صورتیکه اطفال تا سن بیست سالگی در تحت نفوذ و تأثیرات‏ عقاید مادر میباشند و تربیت پدر در آنها چندان دخیل نیست آیا سزاوار است مادر را که عضو مهم جامعه است از تعلیم و تربیت بازداشت؟

\*\*\* اما اساس تعلیم و تربیت زن بر روی چه بنیانی باید باشد این‏ یک قضیه است که مدتهاست خاطر علمای علم اجتماع را جلب نموده است‏ و نتیجه افکار آنها اینست که باید تربیت زن و مرد از هر حیث‏ مساوی باشد مگر اینکه زنها یک امتیازی بر مردها باید داشته باشند و آن اینست که باضافه تعلیماتی که مردها می‏آموزند زنها باید علم‏ بچه‏داری را نیز تحصیل کنند زیرا که تربیت و بار آوردن اطفال با جلال‏ ترین شغل مادر است ولی نباید این اشتباه را نمود که فقط تربیت زن‏ باید منحصر به بچه بار آوردن باشد بلکه باید او از هر علم و فن بهره‏ داشته باشد تا بتواند با افکار بازی بمحیط خود نگریسته در مواقع‏ لزوم به شوهر و فامیل خود کمکهای اقتصادی و معنوی بنماید و تا مادامیکه شوهر نکرده از هر حیث امور اقتصادی در رفاهیت بوده که‏ از روی اجبار شوهر نکند بلکه با کمال استغنای طبع چشم خود را باز کرده بهترین همسری که مطابق ذوق و سلیقه خودش است اختیار کند

خداوند دخترها را برای خانه‏داری مناسب‏تر از پسرها خلق‏ نکرده است بنابراین نباید از یک نظرتنگی به تربیت زنها نگریست تربیت زن باید طوری باشدکه بعلاوه پرستاری اطفال و کمک بشوهر وفامیل خود وجودش برای جامعه و سایر اقدامات اجتماعی نیز مفید باشد اگر یک دختری خوب بستنی درست کند یا لباس قشنگ بدوزد تربیت‏ او کابل نیست بلکه او هم باید مانند پسرها ارزوی شهرت را داشته‏ کارهای بزرک انجام دهد و مقامات عالیتری برای خود بطلبد چنانکه‏ هربرت اسپنسر Herbert Spencer که یکی از فلاسفه بزرک قرن‏ نوزدهم است می‏گوید«مقصود از تعلیم وتربیت اینست که ما برای خود یک زندگانی عالیتر و کاملتری تحصیل کنیم و از آنجائیکه مادر بزرگترین‏ عامل در تهیه این سعادت و خوشبختی برای نوع بشر میباشد آیا ممکن‏ است ما بدون کمک او باین مقصد شریف خود برسیم در صورتیکه او منبع احساسات و عواطف میباشد.»

دامن مادر نخست آموزگار کودک است‏ طفلدناشور کجا پرورده نادان مادری

از لحاظ علمی نیز زن یک برتری بر مرد دارد و آن ایسنت که‏ زن دارای صفاتی میباشد که جامع سجایا و صفات مرد نیز میباشد یعنی‏ زنها از خود احساساتی دارند که مدرها فاقد آن هستند ولی از آنطرف‏ جامع جمیع صفات مرد میباشند بطوریکه یک نفر زن قابل و قادر است‏ که بعلاوه آنجام کارهای زنانه که مخصوص اوست کارهائی کهی ک نفر مرد نیز می‏کند انجام دهد ولی هیچ مردی نمیتواند آن احساسات و عواطف رقیقه زن را بدست بیاورد علمای علم اجتماع عقیده دارند که‏ اگر تعلیم و تربیت زن و مرد یکی باشد و به زن در جامعه اختیارات‏ مانند مرد داده شود بکلی اساس جنک و نزاع از علم برداشته می‏شود زیرا جنک و نزاع مخصوص مردها بوده زنها برای اینکه بیشتر بفرزندان‏ خود علاقه دارند از آن متنفرند.بنابراین اگر اقتداری در جامعه پیدا کردند از این بلای خانمان‏سوز جلوگیری خواهند کرد

\*\*\* حال که قابلیت و استعداد زن در تعلیم و تربیت و اهمیت وجود او در جامعه ثابت شد پس آیا ایران ما باید از این قانون مجزی و مستثنی باشد گمان میکنم اولیای امور و آن نویسندگان محترمی که امروز سرمشق سایرین هستند باید اهمیت این موضوع را در نظر گرفته برای اینکه‏ برای سی سال بعد ایران تهیه سرمایه نمایند یک عده مادران وطن‏دوست‏ تربیت کنند که بهترین خدمتی به آب و خاک خود کرده باشند تا شاید پس از انقضای این مدت ایران را نیز در جزو ممالک متمدنه محسوب‏ دارند و الا زحمات دیگر بی‏فایده است زیرا یک بنای بی‏اساسی است‏ و تا مادامیکه تربیت اولیه افراد مملکت صحیح و خوب نباشد هر اقدام‏ و زحمتی هدر رفته از آن نتیجه حاصل نمیشود پس نویسندکان محترم‏ که روح مملکت در دست آنهاست باید در این موضوع قلمرانی نموده‏ افکار عامه را بازکنند و اولیای امور را مجبور کنند که در ترقی نسوان‏ قدمی برداشته یک بال شکسته ایران را اصلاح نمایند تا بتواند باوج سعادت‏ و ترقی پرواز نماید

جای تعجب اینجاست که اینهمه جوانان ایرانی که در ایران یا اروپا تحیلات نموده‏اند ابدا باین فکر اساسی برنخورده یا اینکه اگر ملتفت شده‏اند بان اهمیت نداده‏اند چنانکه امروزه هریک در یک رشته‏ از مسائل اجتماعی علاقه پیدا کرده در آن زمینه کار میکنند ولی بدبختانه‏ تا بحال کمتر اشخاص پیدا شده‏اند که(ایدآل)خود را خدمت بجهان‏ زنان قرار دهند و خواهران بدبخت خود را که در وادی اسارت و جهالت‏ منزل گزیده‏اند نجات دهند در صورتیکه بهترین راهی که یک نفر جوان حساس‏ وطن دوست میتواند از آن راه به ملت خدمت کند این است که به جامعه زنها اهمیت داده از وجود آنها نیز استفاده نمایند بنابراین خاطر عموم جوانان‏ و محصلین ایرانی را باین نکته مهم حیاتی جلب کرده متذکر میشوم که قدری برای ترقی و سعادت خواهران خود کار کنند تا آنکه خوشبختی‏ و سعادت حقیقی ایرانیان طلوع نماید یعنی در تاسیس مدارس دخترانه‏ و دار المعلمات با اولیای امور هم‏فکری و مساعدت کرده و حتی المقدور برای تربیت خواهران خود کتب مفیده اروپائی را ترجمه و منتشر نمایند.

پیام زنان به مردان

(گوینده زن است)

ایرانیان که فر کیان آرزو کنند باید نخست کاوهء خود جستجو کنند مرد بزرک باید و عزم بزرگتر تا حل مشکلات به نیروی او کنند ایوان پی شکسته مرمت نمیشود صد بار اگر بظاهر آن رنک‏ورو کنند در آندلس نماز جماعت شود بپا در قادسیه چونکه بخونها وضو کنند آزادگی بدستهء شمشیر بسته‏اند مردان همیشه تکیهء خود را بدو کنند شد پاره پردهء عجم از غیرت شما اینک بیاورید که زنها رفو کنند نوح دگر بیاید و طوفان وی ز نو تا لکه‏های ننک شما شستشو کنند نسوان قحبه موی پریشان کشیده صف‏ تشریح عیبهای شما مو بمو کنند دوشیزگان شهر ارومی گشاده‏روی‏ در بوزگی ببرزن و بازارو کو کنند بس خواهران بخطهء سلماس تاکنون‏ خون برادران همه سرخاب رو کنند اندر طبیعت است که باید شود ذلیل‏ هر ملتی که راحتی و عیش خو کنند